

پیک و پیک بود

- درگذشت محمدعلی معیری / دکتر مظفر بختیار
- تنها صداست که می ماند / لیلا آجرلو
- من و انجوی / احمد شهیدی
- خاموشی دکتر عبدالحسین نوایی

محمد علی معیری

محمد علی معیری آخرین بازمانده از فرزندگان نسل پیشین معیرالممالک هادر اول آبان ماه امسال (۱۳۸۳) در کالیفرنیا درگذشت. تبار نامدار معیرالممالکها در پیشبرد فرهنگ هنری و پرورش و تشویق هنروران و دانشوران در دو قرن اخیر سهمی ارزنده دارد. بزرگترین هنرمندان عصر در تعهد و حمایت رجال این خاندان بوده‌اند، شاخص‌ترین آثار خوشنویسی و نقاشی و کتاب آرائی و قدیمی‌ترین اسناد عکاسی و آثار صوتی و موسیقایی ضبط شده از این خانواده برآمده، آثار نفیس هنر معماری چون کاخ شمس‌العماره و تکیه دولت و باغ فردوس به ذوق و همت و گشاده دستی آنان پدید آمده و نخستین بنیاد یا دانشکده هنر در ایران به اهتمام و مباشرت معیرالممالک تأسیس شده است.

از دودمان معیرالممالک علاوه بر رجال بزرگ سیاسی و دولتی شخصیت‌های برجسته در عرصه هنر و شعر و ادب نیز برخاسته است. از فروغی بسطامی در طبقات اوائل، دوست‌محمدخان معیرالممالک در طبقه متقدم تا رهی معیری در نسل اخیر. چیزی که هست چون اشخاص متعین از صاحبان ذوق و هنر تنها به ندای استعداد سرشار و به انگیزه ارضاء نیروی خلاقیت خود صرفاً به هوای دل و به دلخواه به کار هنر می‌پرداختند و به رقابت‌ها و جاه‌طلبی‌های متداول و سایر مقتضیات اشتغال حرفه‌ای و شاگرد داری و ارتزاق از تراوش خامه و قلم که مهمترین عامل در کسب شهرت و رشد و انتشار نام و آوازه هنرمند در میان مردم است

هیچگونه نیازی و اهتمامی نداشتند لاجرم جز در بین خواص و اطرافیان شهرتی در خور مقام ارزنده خود نیافته‌اند و گرنه - به عنوان نمونه و بطور مثال - دوست محمدخان معیرالممالک گذشته از آراستگی به چندین هنر تنها در هنر خوشنویسی که از شاگردان زبده و ممتاز میرزا غلامرضا اصفهانی بود اگر به مراتب والاتر از خوشنویسان مشهور و حرفه‌ای زمان خود نباشد هیچ از آنها کم ندارد. با اینهمه در مراجع متقدم و متأخر در زمینه خوشنویسی و احوال خوشنویسان جز بعنوان مشوق و حامی اهل هنر اشاره‌ای به معیرالممالک نشده است و حرجی هم بر نویسندگان نیست زیرا نه خود معیر به کسب شهرت و رد و قبول عام نیازی و اعتنایی داشت و نه آثار او از گنجینه محفوظ خانوادگی در دسترس علاقمندان قرار می‌گرفت تا معرف هنر او گردد.

یا دوستعلی خان معیر پسر همین دوست محمدخان و پدر محمدعلی معیری در راه و رسم نویسندگی. کمتر نویسنده‌ای را در بین پیشگامان نثر نویسی جدید و معاصران او می‌شناسم که نثر روانی فارسی را بدان شیوایی و استواری مخصوصاً با چنان فخامت و حسن تعبیر و احاطه بر ظرفیت‌ها و عناصر بلاغی زبان فارسی نوشته باشد و از ضعف و ازگان و کسر و کمبود ذخیره لغت و بعضی غلطهای زننده و آشکار نویسندگان مشهور پیشگام هم مبری می‌باشد.

۳۹۵

محمد علی معیری در روز اول فروردین ۱۲۹۱ در لحظه تحویل سال در تهران متولد شد تاریخ تولد او را پدرش دوستعلی خان معیرالممالک در یادداشت‌های روزانه خود ثبت کرده است: پنجشنبه غره ربیع‌الثانی ۱۳۳۰... دیشب هم خداوند در موقع تحویل پسری به مخلص کرامت فرمودند. در واقع می‌توان نوروزبیک اسمش را گذارد. ان شاءالله مبارک است.

مادرش شمس‌النهار خانم فرح‌السلطنه دختر میرزا محمدخان حشمة‌الممالک - عموی دوستعلی خان - و دومین همسر معیرالممالک بود بعد از نوش‌آفرین خانم اعظم‌السلطنه دختر میزرا علی اصفرخان امین‌السلطان اتابک اعظم.

از سن معهود به فراگیری مقدمات مرسوم زیر نظر معلمان خانگی پرداخت. در نظام تربیتی معیرالممالک‌ها آشنایی با زبان‌های خارجی و فرهنگ و آداب اروپائی و غربی از لوازم تربیت و فرزندپروری بشمار می‌آمد. نصاب لغت و چند فرهنگنامه دو زبانه فارسی - فرانسوی که به سفارش معیرالممالک‌ها تدوین و چاپ شده نمودار همین توجه آنان به آموزش زبان‌های خارجی است. خانم کارلاسرنا جهانگرد ایتالیایی و خانم گرترویدل ایرانشناس و سیاستمدار مشهور انگلیسی که به فاصله یک نسل با بانوان خانواده معیرالممالک در تهران معاشرت



● محمدعلی معیری در عمارت مستوفی الممالک - خرداد ۱۳۶۹ (عکس از علی شفاق)

داشته‌اند از زبان دانی و آشنایی بانوان خانواده و دختران نوجوان دوستمحمدخان با زبان خارجی و ادای ظرافتها و تشریفات معاشرتی اروپایی ستایش نموده خود دوستمحمدخان معیرالممالک را یک جنتلمن تمام عیار به معیارهای اشرافی غربی قلمداد نموده‌اند. بر همین سنت خانوادگی محمدعلی هم از کودکی به فراگیری زبان فرانسه و خواندن برخی از درسنامه‌های سادهٔ مدرسه‌های ابتدایی فرانسوی با معلمان سر خانه پرداخت. آنگاه در مدرسهٔ شرف و سپس مدرسهٔ سن لویی که در آن زمان متجددترین مدرسه به سبک اروپائی و فرانسوی بود تحصیلات رسمی و مدرسه‌ای را آغاز نمود. پس از آن برای ادامهٔ تحصیل به بیروت نزد عمهٔ خود خانم فخرالتاج فرستاده شد. خانم فخرالتاج و ملکهٔ جهان همسر محمد علیشاه از فرط انس و الفت و یگانگی که بین آنها برقرار بود با هم زندگی می‌کردند و در آن وقت در بیروت اقامت داشتند. حضور عمهٔ برازنده و زبان‌دان و آشنا با محیط خارج اسباب اطمینان خاطر بود برای مراقبت و مواظبت بر امور درس و تحصیل محمد علی جوان.

پس از پایان تحصیلات متوسطه در بیروت همراه با پدر بزرگ مادری خود میرزا محمدخان حشمة‌الممالک برای ادامهٔ تحصیلات رهسپار پاریس شد. حشمة‌الممالک چند سال به تناوب برای فراگیری فنون و آشنایی با نوآورده‌های عکاسی در پاریس و اروپا بسر برده بود و راه و رسم

آن دیار را خوب می‌شناخت. بطوری که خود معیری می‌گفت: با طرز تفکر آن زمان توقع خانواده از تحصیل فرزند در فرنگستان تحصیل در رشته‌های پر رونق و اسم و عنوان دار علمی بود و خود او دل در گرو ادبیات و هنر داشت و در این زمینه می‌کوشید. اما تحصیلات منظم را به سامان نرسانیده بود که بر اثر مشکلات ناشی از شروع جنگ جهانی دوم ناگزیر گردید به میهن باز گردد. معیری از دوران بارور اقامت و تحصیل در بیروت و پاریس و ملاقات با شخصیت‌ها و دیدارهای هفتگی با احمدشاه به همراه حشمة‌الممالک که احمدشاه را نسبت به او التفاتی خاص بود و مطالبی دربارهٔ محمد علیشاه که از ملکه جهان شنوده بود خاطرات ارزنده داشت. آنها را در شب‌های به قول خود او «مسامره» که به گفتگو می‌نشستیم باز می‌گفت و ثبت و ضبط می‌شد که غالباً برای اهل آن تازگی دارد.

در بازگشت به ایران بیشتر به کارهای ذوقی و تفنّات ادبی و یاری پدر می‌پرداخت. در آن زمان موقعیت و مواجب کارمندی و به اصطلاح نوکری دولت چندان نبود که اشخاص مرفه را جز به انگیزهٔ جاه و مقام به خدمت دولتی ترغیب نماید. غالباً از باریکه آب و نان پدری می‌خوردند و نامشان را به نشان نمی‌فروختند. دوستعلی خان معیرالممالک در آن زمان به قول خود پا به «دوزخ پیری» نهاده بود و محمدعلی یار و یاور پدر بود. از جمله در آن دوران با اصرار و پیگیری مرحوم حبیب یغمایی که به گفتهٔ معیری گاه به سماجت و بست نشینی می‌کشید معیرالممالک براساس خاطرات خود مقالاتی تاریخی برای مجله یغما می‌نوشت که بیشتر آنها اکنون یگانه مرجع در نوع خود است. نوشته‌های پدر را پسر برای چاپ پاکتویس و آماده می‌نمود. اینهاست که نقش مدیران آگاه نشریات فرهنگی را در بکارگیری استعدادهای درخشان و پدید آمدن آثار ارزنده نشان می‌دهد. به اعتقاد معیری اگر تلاش یغمایی نبود غالب این مقالات هرگز نوشته نمی‌شد.

معیری در سال ۱۳۲۲ با دختر مرحوم میرزا حسن مستوفی‌الممالک رجل نامدار و نیکنام عصر ازدواج کرد. مستوفی‌الممالک خود داماد دوستمحمدخان معیرالممالک بود. از آغاز تأسیس سازمان برنامه به خدمت در آنجا دعوت شد و تا هنگام بازنشستگی در همانجا اشتغال به کار داشت.

فهرست کتابها و مقالات مهم معیری در کتابنامه‌ای که برای نگارنده به خط خود نوشته آمده است. این کتابشناسی هر چند روشمندان و با ذکر مشخصات کامل آثار تنظیم نشده برای نشان دادن مایه خط خوش او ضمن همین گفتار چاپ خواهد شد. تعدادی مقاله هم پس از تهیه این

هراس

از
پیرکنی
تنبه
مجموعی نغزری



زُدگوته

از
پیرکنی
تنبه
مجموعی نغزری



فهرست در مجله آینده و مجله کلک از او به چاپ رسیده است که به یاری فهرستنامه‌هایی که هست یافتن آنها برای علاقمندان دشوار نیست. از جمله مقاله‌ای در شرح احوال میرزا غلامرضا اصفهانی در مجله کلک (شماره ۸۳ - ۸۰ سال ۱۳۷۵) که از لحاظ احتواء بر اسناد و روایات و خاطرات خانوادگی مستندترین شرح حال میرزا غلامرضا و معتبرترین مقاله معیری به شمار می‌آید و در اصل آن را به درخواست من برای درج در زندگینامه میرزا غلامرضا که در دست تألیف داشتم نوشت و چون علاقمند بود زودتر از چاپ برآید پیش از انتشار کتاب آن را در مجله کلک به چاپ رساندم. بعد از چاپ هم گه‌گاه مطالبی بر مقاله می‌افزود و برایم می‌فرستاد. آنچه از او در این‌گونه مقالات تاریخی و نقل خاطرات ستایش‌انگیز است صداقت و امانت اوست در بیان رویدادها و یادداشته‌ها. با آنکه در بسیاری از موضوعات خود یگانه مرجع و شاهد بشمار می‌رفت تا از واقعیت و صحت مطلبی اطمینان نداشت هرگز آنرا اظهار نمی‌نمود. ترجمه‌های معیری از نمونه‌های ممتاز و فاخر ترجمه ادبی در زبان فارسی است. تداوم و استمرار مطالعه و نگرش در متون معیار نظم و نثر که رویه و روش قدما در احراز ملکه ادبی بوده است عناصر فصاحت و بلاغت و قدرت تعبیر و تصرف در عبارت را در ذهن او راسخ گردانیده بود که در گفتار وی هم بی‌آنکه هیچ تکلف و تصنعی نماید شاخص و نمایان بود. به سبب احاطه بر زبان متن و زبان ترجمه ترجمه‌های او مقید و وفادار به متن اصلی است و از ترجمه خطاپوش

آزاد که بهانه طفره رفتن مترجمان کم مایه در برگردان رسا و دقیق مطلب و نقل موارد دشوار فهم و پیچیده‌ای است که زباندانی و توانایی در برابر گذاری و معادل یابی می‌طلبد اجتناب داشت و بخصوص به انتقال سبک نویسنده در ترجمه اهمیت خاص می‌داد.

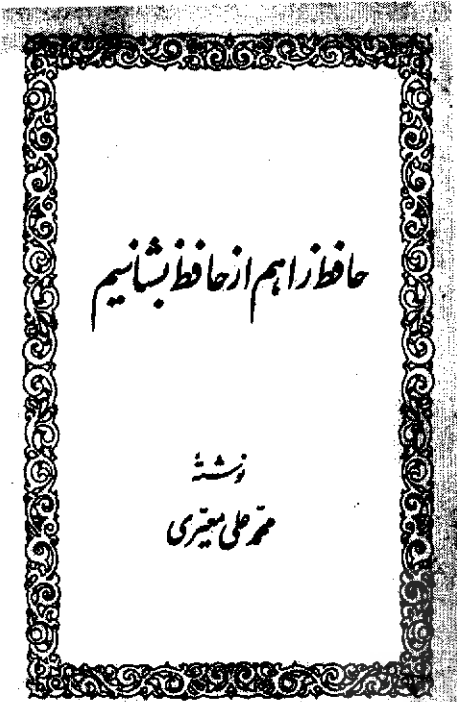
بیشترین ترجمه‌های معیری از نمایشنامه‌های پیرکرنی نویسنده فرانسوی در قرن هفدهم است و اهل فن دانند که ترجمه کرنی به طرز و شیوه‌یی که حق مطلب ادا گردد کار هر کس نیست. معیری در بین ترجمه‌های خود به ژدگونه که انگیزه او در ترجمه سایر آثار کرنی نیز گردیده بود علاقه خاص داشت و این دلبستگی در لحن کلام ترجمه هم آشکار است. کرنی برداشتی از روایات مربوط به ژدگونه خواهر فرهاد شاهنشاه اشکانی را در فرهنگ کلاسیک غرب در این نمایشنامه آورده و خود نویسنده هم آنرا برترین اثر خود می‌دانسته است.

از ترجمه‌های ادبی معیری دفتر حسرت‌های گذشته از چینگ پان یانگ شاعر چینی است که به عنوان اولین اثر مستقل به زبان فارسی در معرفی ادبیات چین در تاریخ چین‌شناسی در ایران جایگاه خاص دارد.

در زمینه ادبیات ملل مجموعه اشعار آمارو شاعر هندی را هم به فارسی برگردانده که در فهرست آثار خود از آن نام نبرده است.

معیری در ترجمه سرعت قلم توأم با دقت داشت و آن نثر پرداخته و فاخر یکباره بر قلم جاری می‌شد و غالباً به کاست و فزود و تأمل و درنگ نیاز نداشت. ترجمه کتاب سرگذشت خاندان رومانف را که در موعد معینی لازم بود انتشار یابد به خواهش رییس وقت انتشارات دانشگاه تهران تقریباً طی دو ماه به پایان برد.

از تألیفات معیری کتاب حافظ را هم از حافظ بشناسیم است در شرح و حلّ پاره‌ای از مشکلات شعر حافظ بر مبنای سایر قرائن در دیوان او و برخی از تصحیحات پیشنهادی و در واقع تصرفات ذوق‌گرایانه در شعر حافظ. مشکل عمده اهل ذوق در پرداختن به مباحث تخصصی و تحقیقات ادبی حاکمیت مطلق ذوق و فقدان آن معلومات و تجربیات لازم و ضروری است در حیطه‌های پیرامونی ادبیات که از درس و بحث و مطالعه و تحصیل منظم و درک محضر استاد حاصل می‌گردد. در آثار متفنان در ادبیات با همه فواید جانبی ناشی از مطالعات فرعی و پراکنده نویسنده گاه مسائلی مطرح می‌گردد یا نکاتی محل بحث و اشکال و ایراد قرار می‌گیرد که آشنایی اجمالی با مباحث درسی و فنی از قبیل سبک‌شناسی و تحول تاریخی و ادواری زبان و بطور کلی آنچه که در نظر اهل ذوق جنبه‌های خشک و ملالت‌آور



ادبیات قلمداد می‌گردد اصولاً جای بحث و تأمل و ابهام باقی نمی‌گذارد.

اما کار ارزنده معیری درباره حافظ کتاب خیانت به حافظ است^۱ که آن را به ملاحظه نوع مخاطبان اصلی کتاب به زبان فرانسوی نوشته است. این کتاب مروری انتقادی است بر چند ترجمه مشهور از حافظ و از جمله ترجمه هانری ماسه، آرتور گی و شارل دوویلر^۲ با ذکر موارد اشتباه و برداشتهای نادرست و گاه مضحک مترجمانی که ترجمه‌های آنان در بین ایرانشناسان مرجعیت و قبول عام دارد. معیری در این کتاب به بیان اشتباهات و استنباط‌های غلط مترجمان اکتفا نکرده در موارد دشوار خود به ترجمه بیت‌ها و در واقع نقد سازنده پرداخته که هر منتقدی را توان و مایه ادبی آن نیست و به کتاب ارزش خاص بخشیده است. ترجمه فارسی بخشی از این کتاب در نشریه کتابداری دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

شعر معیری که در برخی از مجله‌های ادبی و برگزیده‌های شعر معاصران هم به چاپ رسیده چیزی بر حیثیت ادبی او نمی‌افزاید. معیری بیش از آن که شاعر باشد ستایشگر شعر بود. رهی معیری که گذشته از عموزادگی دوست و همدم معیری بود به ذوق و شعر فهمی و گوش

1. حافظ شاعر خیانت شده = Hafez, Poete trahi

2. Henri Masse, Arthur Guy, Charles Devillers.

موسیقایی و موزون‌یاب او اعتقادی داشت. با وسواسی که رهی را در پردازش شعر خود بود و تا آن را به کمال نمی‌یافت و به محک ذوق سلیم نمی‌زد منتشر نمی‌ساخت معیری از نخستین نیوشندگان شعرها و ترانه‌های رهی بود. هر دو خاطره‌ها داشتند از هم و باز می‌گفتند. مخصوصاً از سفرهای نوروزانه شیراز و شب‌گذاریها و فال‌گشایی‌های خود در آستان‌خواجه و فال‌هایی که اعجازگونه درست و حاجت‌روا برآمده بر مراتب اعتقاد و ارادتشان نسبت به لسان‌الغیب افزوده بود. اگر نزد کسانی که منکر این عوالم‌اند حمل بر زود باوری راوی و ساده دلی و حسن اعتقاد گوینده در تأویل فال و مصادره به مطلوب نمودن زبان ایهام‌آمیز غزل‌خواجه نمی‌شد تفأل‌هایی چون «شاهد عهد شباب» یا «خوش هوایی است فرح‌بخش...» که سایر دوستان و نزدیکان رهی و معیری هم از زبان آن دو شنیده‌اند و از نیازهای برآورده و فال‌های شگرف برآمده از دیوان حافظ است نوشتنی بود و اعجاب برانگیز.

آثار معیری معرف شخصیت واقعی و فرزاندگی و جامعیت اطلاعات وسیع او در زمینه‌های گوناگون نیست. وسعت اطلاعات و ساحت معرفت و حیطة فضایل این اشخاص را در مصاحبت با ایشان باید یافت. پیش از اشاعه و ترویج بلا و بلیه تخصص‌گرایی و کاستن از عمق و افزودن بر سطح در حوزه ادبیات و معارف همیشه و لازم و ملزوم یکدیگر جامعیت از لوازم و شرایط اصلی فرزاندگی و از اصول تربیت و تحصیل مستعدان بود. در بین ادبای قدیم تا یکی دو نسل پیش کمتر ادیب واقعی را می‌شناسم که علاوه بر حوزه تخصصی خود در زمینه‌های مختلف وابسته و پیرامونی چون شناخت هنر خوشنویسی و کتاب‌آرایی و نسخه‌شناسی و نقاشی سنتی دارای اطلاعات جامع و قریحه‌زیباشناسی و ذوق پرورش یافته زیبا‌یاب نباشد. معیری چنین جامعیتی داشت. بر ادای ادب و نزاکت و تشریفات و دقایق آراستگی و خوش پوشی و آئین‌پذیری و سفره‌داری و ذوق و پسند اهل ذایقه و گُرمه (gourmet) در نصاب لطف و ظرافت طبع و آداب و تشریفات رسمی آن همان قدر احاطه داشت و مبادی به آن بود که بر مباحث ادبیات و هنر و تآثر و سینما و اپرا و امور گوناگونی که تفتن و فن او بود. مجلس وزین و لایق صحبتی نبود که وی یا شم خاص خود در تشخیص مناسبت و اقتضای حال و نخبه‌گزینی از گنجینه اطلاعات سرشار با جاذبه تشخیص و زبان آوری و لحن‌گیری و صدای بم آهنگ خود مجلس را به دست نگیرد.

به هنر به ویژه خوشنویسی و نقاشی کلاسیک عشق می‌ورزید و در این دلبستگی شوق و غرب تمایز نداشت. بر در و دیوار خانه و کتابخانه قطعات خوشنویسی در کنار تابلوهای بان‌دیویدز دوهیم و سارابرنارد (خواننده مشهورتر) و کپی‌های استادانه آثار نقاشان بزرگ اروپا



● دکتر مظفر بختیار و محمدعلی معیری (عکس از علی شقاقی)
 بیاد ایام خوش همکاری با خویشاوند عزیز آقای دکتر مظفر بختیار.
 محمدعلی معیری ۶۹/۴/۸

۴۰۲

نقاشی‌های صنایع‌الملک و میرمصور و جلایر همبستگی و همزمانی میراث‌های هنری و ذوق و سلیقه و فرهنگ والای صاحب‌خانه را جلوه‌گر می‌ساخت.

جای جای خانه پروانه‌نشان بود. علاوه بر قاب پروانه‌های زنده‌نما و پرده‌های نقاشی گل و پروانه نگاران فرنگ، تندیس‌های پروانه و کاغذبری‌های رنگ اندر رنگ کار چین تا آرایه‌های پروانه بر ظرف‌ها و گلدان‌های عتیقه‌سور و پاکارا خانه را فرو گرفته پروانه‌ستان ساخته بود.

نقش‌های رنگین پروانه بر قابهای چوبی عمارت مستوفی‌الممالک در گلوبندک که از بناهای ثبت شده در فهرست آثار ملی است برخلاف آنچه در معرفی این ساختمان اظهار می‌شود در اصل مربوط به این عمارت و همزمان با بنای آن در سال ۱۳۱۴ ق نیست و با سبک و سیاق نقاشی و تزیینات داخلی و رنگ بندی آن دوره هم تناسب ندارد. این نقاشی‌ها سال‌ها بعد از به پایان رسیدن بنای عمارت مستوفی‌الممالک به سلیقه و نظارت مرحوم محمد علی معیری از روی طرحهای کتاب بوفون بر برخی از قابهای چوبی عمارت معیرالممالک نقاشی شده بود و پس از فاجعه ویران‌سازی عمارت مجلل معیرالممالک به دست «بساز و بفروش»ها در سال ۱۳۴۷ ش. و در بجهوجه لاف و گزاف از پاسداری میراث‌های فرهنگی و آثار ملی این قاب‌ها و بعضی از نقاشی‌های استاد بهرام و مجسمه‌های پایه ستونی و تزیینات دیگر ساختمانی به همت

و تلاش مرحوم محمد مستوفی الممالکی از ویرانگران خریداری گردید و در عمارت مستوفی الممالک کار گذاشته شد.

خوشنویسی هنر تراز اول در ایران به ویژه مورد توجه و احترام معیر الممالک‌ها بود و بیشتر افراد خانواده از مرد و زن خوشنویس یا بهره‌مند از خط خوش و تعلیم یافته بودند. افتخار و امتیاز بزرگ خانواده در این زمینه وابستگی استاد بزرگ خوشنویس میرزا غلامرضا اصفهانی به خاندان معیر الممالک بود که نام آنان را در تاریخ هنر ایران زنده و ماندگار ساخته است. مراتب احترام و ارادت به میرزا غلامرضا تا بدانجا بود که نظام الدوله معیر الممالک بزرگ مقتدرترین و متنفذترین چهره سیاسی عصر که شاهزادگان بزرگ و وزراء و امرا را هم به اصطلاح وقت به دماغ نمی‌گرفت و به آنها اعتنا نمی‌نمود عکس میرزا غلامرضا را بر قلمدان وزارت می‌خود داشت.

معیری از نوجوانی به سنت تربیتی خانواده نزد استاد غلامرضا خوشنویس از شاگردان به واسطه و از شیوه‌داران مکتب میرزا غلامرضا که چند نفر از خوشنویسان او را نیز شاگرد او بوده‌اند به تعلیم حسن خط گمارده شد. استاد غلامرضا خوشنویس فرزند خوانده محمد کاظم بود از استادان مسلم نستعلیق و از شاگردان ممتاز میرزا غلامرضا که به شگون و تبرک نام استاد فرزند خوانده دلبند را غلامرضا نام نهاده بود. هر چند دوران مشق و تعلم معیری نزد استاد خوشنویس بر اثر سفر تحصیلی به خارج چندان نیابید که قلم نی در سر انگشت او رام گردد و به سطرپردازی و استاد پسندیدگی برسد ولی همین مایه مشق و مداومت در آن خط تحریری او را شیوا و خوش اسلوب ساخته بود و آثار استاد دیدگی و آشنایی با اصول کرسی و ترکیب از کتابتها و تحریرات او پیداست. با سر قلم آهنی می‌نوشت که در نظر خطاطان نوشتن با قلم آهنی آهن سرد کوفتن است. با رواج قلم ماژیک با نیش قلمتراش و تیغ تصرفاتی متناسب با حرکات و تند و کندهای خط فارسی در قط و برش زبانه نم‌دین ماژیک می‌نمود و با آن خوشتر و روان‌تر از سر قلم‌های آهنی می‌نوشت. نمونه‌ای از خط تحریری معیری با آنکه در کتابت آن چندان دست نگه نداشته و به قصد خوشنویسی آنرا نپرداخته ضمن همین گفتار به نظر خواهد رسید.

از اقدامات ارزشمند معیری واگذاری عکس‌های قدیمی و اسناد اختصاصی خانوادگی بود به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران هنگامی که خانه و زندگی را برای پیوستن به فرزندان خود در خارج از کشور سبکبار می‌ساخت. اسناد تاریخی و عکس‌های قدیمی معیری که باقی نهاده و نسخه اندر نسخه و برگزیده مدارک و عکس‌های خاندانی است که در چند قرن اخیر در تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران و ترویج هنر عکاسی مطرح و بلند آوازه و تأثیرگذار بوده در بین مجموعه‌داران شناخته شده بود و خواستاران و خریداران بی‌دریغ داشت اما مرحوم معیری

همچنان که خود نوشته (مجله کلک، ش ۸۳ - ۸۰، ص ۲۵۳) پیشنهاد و تأکید مراد را و گذاری این آثار به دانشگاه تهران سرانجام پذیرفت و مجموعه اسناد و عکسهای اختصاصی که برای خانواده و آیندگان نهاده شده بود با موافقت ایشان در اُحد امکانات و مقدرات محدود کتابخانه توسط کارشناسان ارزیابی شد و در اختیار دانشگاه تهران قرار گرفت.

با تجربه‌ای که بود از مشکل برف انبار شدن و بی‌هویت ماندن اغلب عکسهای تاریخی در کتابخانه‌ها و آرشیوها و نایافت شناسندگان واقعی و چشم آشنا با سیمای رجال در عکس‌های قدیمی و با اشتباهات فاحش و گمراه‌کننده‌ای که در شناسائی و معرفی این نوع عکسها دیده می‌شود بطور خصوصی و دوستانه از آقای معیری درخواست نمودم برای معرفی رجال عکسها، ضبط هويت اشخاص و مکان‌ها و موضوعات و مناسبات حتی ثبت اطلاعات جانبی مرتبط با هر عکس هفته‌ای دو سه روز در کتابخانه حضور یابند. خود در رفت آمد ایشان را همراهی می‌نمودم و آقای دکتر قاسم صافی در هر مورد یادداشت‌های لازم را تهیه می‌کرد و فهرست عکس‌ها را برای چاپ آماده می‌نمود. این کار با وجود نفاقت آقای معیری با حضور مستمر ایشان در سرتاسر زمستان سخت ۱۳۶۹ به درازا کشید و فهرستنامه نیز با مقدمه‌ای مشروح مشتمل بر تقریرات و یادداشتهای آقای معیری درباره مجموعه و احوال و ابزار کار عکاسان به اهتمام آقای دکتر صافی در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و با استقبال شایانی که از آن شده تا کنون چند بار تجدید چاپ گردیده است. به طوری که از دفتر مراجعات کتابخانه مرکزی دانشگاه برمی آید مجموعه عکس‌های تاریخی معیرالممالک اینک از مراجع عمده و اصلی دانشجویان و محققان در رشته‌های مختلف هنری و تاریخی و پرخواستارترین مجموعه کتابخانه است.

مرحوم محمدعلی معیری با علاقه شخصی و کنجکاری که در شناسایی عکسهای تاریخی داشت از آگاه‌ترین و صلاحیت‌دارترین اشخاص در شناخت عکسهای تاریخی بود. این شناخت مانند بعضی از محققان تنها از راه مطالعه و ممارست در نگرش عکسهای تاریخی که بر اثر شباهت‌های ظاهری ناشی از پوشش‌ها صوری احتمال خطا در آن زیاد است حاصل نشده بود. بنابر موقعیت خانوادگی و پیوندهای نسبی و سببی و سایر وجوه ارتباطات بسیاری از رجال از خویشاوندان و منسوبان دور و نزدیک و معاشران خانوادگی او بوده‌اند و معیری با حافظه قوی تصویری که داشت با سیمای آنان در مراحل مختلف عمر چه با ارتباط مستقیم شخصی و چه طی سالها مرور بر گنجینه عکس معیرالممالک و دریافت اطلاعات پدر آشنایی کامل و دقیق داشت.

دوستان محمدخان معیرالممالک از پیشگامان و مروجان هنر عکاسی در ایران است. این

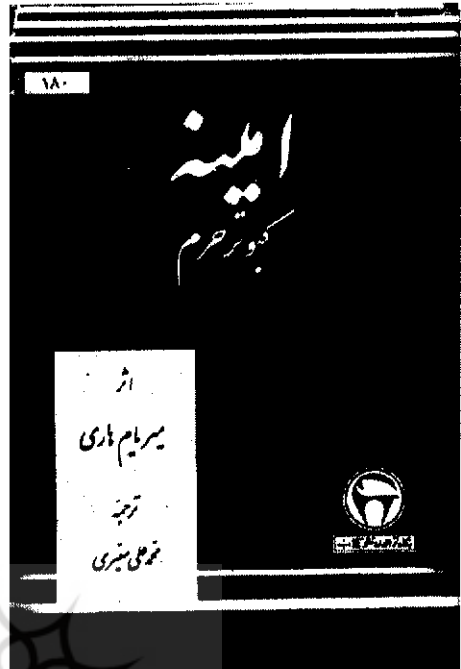
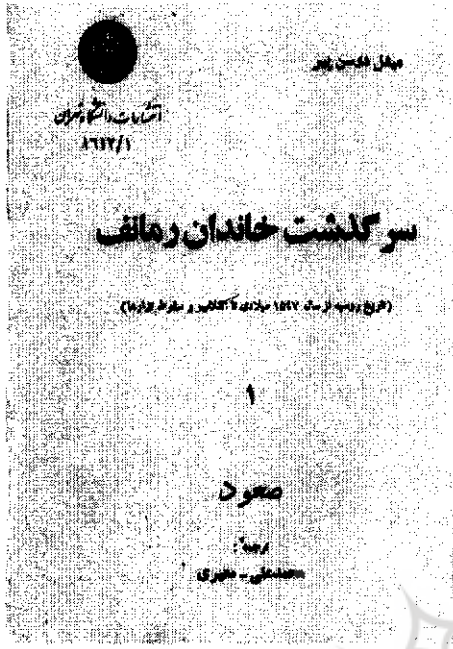
مجموعه که از بین انبوه عکسهای برگزیده برای خانواده نهاده شده بود علاوه بر ارزش و سندیت تاریخی در تحقیقات و بررسی های مربوط به سیر تحول هنر عکاسی در ایران اهمیت و جایگاه خاص دارد.

خانم کاتیا سلماسی مدرس عکاسی در دانشگاه و محقق و متخصص در تاریخ هنر عکاسی در ایران مجموعه عکس ها و اسناد عکاسی معیرالممالک همچنین سفرنامه مصور دوست محمدخان معیرالممالک و مجموعه عکس بناها و ساختمان های معیرالممالکی را در دست تدوین و چاپ دارد که نمودار ارزش و اعتبار هنری و تاریخی عکس های مجموعه معیرالممالک در تاریخ عکاسی در ایران است.

معیری در شکار و شکار پرنده بیش از آن که صیدافکن باشد و صحراسوز سیاحتگر و ستایشگر طبیعت بود و دوستار پرندگان. همین سیر و تماشا و دامن دشت و صحرا با اطلاعات نابی که از پدر پرنده شکار و سایر شکارگران زبده و یاران شکار نظیر مقبل الدوله و مفاخر السلطنه نوادگان تیمور میرزا حسام السلطنه نویسنده کتاب بازانامه ناصری که از پرنده شناسان به نام بوده اند طی سفرهای شکار و محافل گفت و شنود شکارچیان بدست آورده بود او را پرنده شناسی صاحب نظر و کم نظیر ساخته بود. نمونه هایی از توجه و دقت این شکارگران در شناخت پرندگان و جانوران در کتاب شکارنامه دوستعلی خان معیر - پدر معیری - که در آنجا به شور و شوق کودکانه فرزند نسبت به پرندگان نیز بارها اشاره شده دیده می شود که حتی در موارد نادر و مشکوک از پرنده ای عکس یا طرح آبرنگ برداشته می شد تا هویت و تیره و گونه آن به دقت معلوم گردد.

کتاب پرندگان ایران از انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست که معیری در مطالعه داشت آکنده است از یادداشت های ریزنوشته در کناره صفحه ها و لابلای سطرها و برگه های در میان اوراق نهاده در تکمیل و توضیح یا اصلاح مطالب و ذکر نامهای گوناگون بومی و رسمی پرندگان که در کتاب نیامده و رفع اشتباهاتی که در اطلاق نام ها و سایر موارد صورت گرفته. تعداد برگه های افزوده به حدی است که حجم کتاب چند برابر افزایش یافته و شیرازه آن از هم گسسته و کتاب را تبدیل به دانشنامه و دایرة المعارف پرنده شناسی و نامنامه انواع پرندگان ایران گردانیده است.

اطلاعات معیری در کبوتر بازی و شناخت انواع کبوتران و مصطلحات کبوتر بازان نیز یگانه و در زمان ما منحصر به خود او بود. کبوتر بازی پیش از آن که به ابتذال گراید از سرگرمی ها و تفننات محترمانه و آبرومند بود و اشخاصی چون ملک الشعراء بهار که امروزه معروفتر از سایر



رجال کبوتر دوست گذشته است از کبوتر بازان یا به اصطلاح خاص حرفه‌ای از عشقبازان معروف زمان خود بوده‌اند و الناصر دین‌الله خلیفه عباسی نیز در این فن مشهور بوده است. کبوترداری از سرگرمی‌ها و تفننات معیرالممالک بود و صدها کبوتر از انواع نژادها از کبوترهای کاکل‌دار چینی تا کاپوسین و کروانه اروپایی که مستقیماً از سرزمین آنها آورده شده بود و انواع کبوتران بومی پروازگیر و به اصطلاح جلد تا نقش (خوش نقش و نگار) و نام‌بر در کبوتر خانه‌های بزرگ و منحصر بفرد معیرالممالک در مهرآباد و باغ شهری و باغ فردوس نگهداری می‌شد و کبوتربانان و دانه افشانان موظف به مراقبت از آنها گماشته شده بود. گفته‌های مرحوم معیری درباره کبوتر بازی و اصطلاحات ویژه آن که برای مطالعه در واژه‌سازی در زبان فارسی نیز بسیار سودمند و آموزنده است بر بیش از ده ساعت نوار صوتی ضبط شده است.

تفنن اصلی معیری گردآوری پروانه بود.

در گردآوری و شناخت پروانه‌های جهان که در ایران رشته‌ای چندان شناخته شده نیست معیری در بین اهل آن در جهان شهرت داشت و با پروانه‌شناسان و مؤسسات پروانه‌شناسی در ارتباط بود. گزارش کارها و وصف پروانه‌های بی‌همتای او در نشریات تخصصی پروانه‌شناسی آمده است. از جمله گونتر ابرت از پروانه‌شناسان معروف مقاله‌ای درباره معیری و اهمیت

مجموعه پروانه او در نشریه انجمن جهانی دوستاران طبیعت نوشته است^۱. معیری از کاشفان پروانه هم به شمار می‌آید. پروانه‌هایی که او کشف کرده به روش نامگذاری علمی با ترکیب نام کاشف و نام تیره و گونه پروانه کشف شده به اسم خود او به ثبت رسیده است (مانند پروانه *Ochrostigma Velitaris Moayerii*)

کلکسیون پروانه معیری طی سال‌ها کوشش و تلاش فراهم آمده بود. و برای صید پروانه‌های کمیاب زیستگاه‌های عمده پروانه را در سراسر ایران و جهان پیموده بود. از جمله به دعوت میرعثمان‌خان نظام حیدر آباد دکن - مؤسس دانشگاه علیگر و بنیانگذار دائرةالمعارف عثمانیه - که با معیرالممالک‌ها دوستی دیرینه داشت برای صید انواع بخصوص از پروانه که فقط در هندوستان یافت می‌شود سفری به هند نموده بود که با مشکلات سفر به مناطق دور افتاده پروانه خیز در هند با نبودن امکانات و مؤسسات سافاری و خدماتی برای مسافران عادی در آن زمان امکان‌پذیر نبود. این سفر پربار برای او و در عالم پروانه بازی و پروانه‌شناسی آوازه و اهمیت خاص داشت. می‌گفت ارتفاعات مختلف کوه جهان بین و کَلَّار بختیاری زیستگاه برخی از کمیاب‌ترین و زیباترین انواع پروانه‌های جهان است و دریغ می‌خورد از آنکه شناختی از آن نیست و به معرفی و حفاظت از این گنجینه رو به زوال طبیعی هیچگونه توجه و اعتنایی نمی‌شود.

۴۰۷

علاوه بر چندین صد پروانه گوناگون و کمیاب که در پاکتها و جعبه‌های مخصوص نگهداری پروانه خشک شده و بال فرو بسته مجموعه کم نظیر او را تشکیل می‌داد تعدادی از پروانه‌های ریز و درشت بال گشاده رنگارنگ را هم با چیدن در کنار هم و هماهنگ ساختن رنگهای ناب و تابناکی که در طبیعت فقط بر بال پروانه می‌توان جست به طور زنده نما و بال گشوده به صورت قاب پروانه یا تابلو پروانه درآورده ذوق و سلیقه و ظرافت طبع خود را در رنگ‌بندی و رنگ‌شناسی و هنجار رنگ به تماشا نهاده است.

خوشوقتانه تعدادی از قاب‌های پروانه که مرحوم معیری از پروانه‌های کمیاب ایران ترتیب داده بود به همت خانواده مستوفی‌الممالک به سازمان حفاظت محیط زیست اهدا شده است و شنیده‌ام در یکی از تالارهای موزه تاریخ طبیعی در معرض نمایش است. اما گنجینه مهم و اصلی برای پروانه‌شناسی ایران پروانه‌های بال فرو بسته و خشک شده کلکسیون معیری بود. گردآوری پروانه تفتنی است پرستوه. از گرفتن پروانه‌های گریز بالی که فقط در زیستگاه‌های

1. Gunter Ebert: "Neue Macrolepidoptera-Arten aus Iran" in *Beit. naturk Forsch SudwDil.* Bd xxx (1971), S. 69-75

خاص در مناطق دور افتاده جهان و در اقلیم‌های گوناگون جغرافیایی به سختی یافت می‌شود تا خشکانیدن پروانه و نگهداری آن در دراز مدت و آنگاه گشودن پروانه‌های خشک با رطوبت تبخیری و مواد و ابزار خاص برای مطالعه علمی یا نمایش و تماشای.

برخی از پروانگان مطلوب فقط چند روز در موسم معینی از سال زنده‌اند و فقط در مدتی کوتاه که برحسب غریزه طبیعی خود طی شب یا روز به پرواز درمی‌آیند صید آنها امکان‌پذیر است. خشک کردن و نگهداری پروانه‌های صید شده هم چه به صورت بال فرو بسته در جعبه‌های مخصوص و چه به صورت بال گشوده درون محفظه یا در قاب و زیر شیشه‌های حایل‌دار مستلزم کاردانی و شکیبائی مراقبت‌های دقیق و آفت‌زدایی‌های منظم است که اندک غفلت از آن پروانه‌ای نایاب و گرانبها را تبدیل به لختی خاکه و غبار می‌گرداند.

معیری ده ساله آخر عمر را در شهر فرزنو کالیفرنیا با همسر در کنار فرزندان سپری کرد. دل برکنند از آب و خاک خود و برچیدن خانه و زندگی عمرانه و برپراکندن یادگارهای نیاکانی و آن همه آثار عتیق ذوق و هنر که با جزء جزء آنها انس و الفتی جان پیوند باشد و آنگاه تن در دادن به زندگانی نونهاده و بی‌ریشه در غربت غرب که آدمی در بن هر نگاه بیگانه ماندن و جداگونه بودن خود را احساس می‌کند طاقت فرسا و رنج‌آور مرد فرسود و عافیت سوز است. آن هم در پیرانه سر و دوران لازمه فراغت خاطر و آسایش و آرامش عمر.

در سالهای آخر عمر بیماری و فرسودگی و شکستگی او را پای بست خانه ساخته بود. خود را به مطالعه و نقاشی و رنگ‌آمیزی کتابهای مصور چاپ سنگی که از تفتنات دیرینه او بود مشغول و سرگرم می‌داشت. کتابهای تازه از چاپ برآمده مورد علاقه خود را از تهران می‌خواست و می‌خواند و درباره آن‌ها رأی و نظر داشت. در یکی از آخرین گفتگوهای تلفنی قدردانی می‌نمود از مجله بخارا که همدم و همزبان و وسیله اطلاع اوست از انتشارات فارسی و کارهای فرهنگی که در ایران انجام می‌گیرد و اظهار خشنودی از مقاله‌هایی که در بخارا درباره هنر عکاسی معیرالممالک و بررسی برخی از آثار و عکسهای تاریخی مجموعه معیر نوشته شده بود و ستایش از دانش و آگاهی و احاطه نویسنده بر موضوع.

واپسین ماههای زندگی را یکسره در ملازمت بستر و بالین سپری نمود و سرانجام در روز اول آبان ماه ۱۳۸۳ در نود و دو سالگی چشم از جهان فرو بست و به رفتگان خود پیوست. معیرالممالکی‌ها از مرد و زن یا عمری دراز داشتند یا زود مرگ و کوتاه زندگانی بوده‌اند.

طبق وصیت آن شادروان لوح مزار و سنگ بالین او از سنگهای کوهپایه‌های ایران با برنوشته نستعلیق در ایران ساخته شد و مقارن با چهلمین روز درگذشت بر مزار او نصب گردید و فرزانه خفته در خاک غربت و دور مانده از اصل خویش سرانجام بر بالینگاهی با بود و نمود میهن و یاد باد ایرانزمین سر نهاد و به آرامش جاودان پیوست.